Journal of Theory & Practice in Curriculum
Vol.14 (7); 2020, 71-96

دو فصلنامهٔ نظریه و عمل در برنامهٔ درسی
سال هفتم، شمارهٔ ۱۴، پاییز و زمستان ۱۳۹۸، ۹۶-۷۱

واکاوی محدودیت‌های مشارکت والدین در مدارس متوسطه: مطالعه‌ای با رویکرد پدیدارشناسانه [۱]

The Analysis of Parent Involvement Restrictions in Secondary School: A Phenomenology Study

احمد زارعی[۲]، دکتر مرضیه دهقانی[۳]، دکتر کیوان صالحی [۴]

چکیده: تقویت فرهنگ مشارکت والدین در فرایندهای مدیریتی و تربیتی مدارس، از نشانه‌های نظام آموزشی کارآمد به‌شمار می‌رود. پژوهش حاضر با هدف واکاوی محدودیت‌های مشارکت والدین در مدارس متوسطه انجام گرفته است. داده‌ها با استفاده از فن مصاحبه نیمه‌ساختارمند با ۱۸ نفر از والدین، مدیران ، معلمان و دانش‌آموزان در سطح ۳ مدرسه از منطقه ۶ تهران گردآوری شده و بر اساس راهبرد کُلایزی تحلیل و مقوله بندی شده است. راهبرد های اعتباربخشی به داده ها با استفاده از روش‌های ممیزی بیرونی ، چند سویه سازی، بازبینی اعضاء و درگیری طولانی مدت پژوهشگر در جریان مصاحبه انجام شده است. بر اساس نتایج این پژوهش، محدودیت‌های مشارکت والدین/ مدرسه را می‌توان در ۳ مقوله کلی شامل عوامل مرتبط با مدرسه، عوامل مرتبط با والدین و عوامل مرتبط با نوجوانان معرفی نمود.

واژگان کلیدی: محدودیت و موانع، مشارکت والدین، مدارس متوسطه، پدیدار شناسی.

A.Zarei, M. Dehghani (Ph.D), K. Salehi(Ph.D)

Abstract: Strengthening parents' involvement culture in schools directorial and educational process is considered as a sign of efficient educational system. This study examines the restrictions of parent involvement in secondary schools. The research approach was qualitative and phenomenological and the research data were collected through semi-structured interviews from 18 parents, teachers, principal and students in three schools in Tehran 6th district. The collected data were analyzed and classified by Colaizzi's method. In order to ensure the truthworth of the study, the member checking, external audit, Triangulation and Prolonged Engagement methods were employed. According to the results, restrictions of parental involvement in 3 emergent themes include: school related factors, parent related factors and adolescent related factor.

Keywords: Restrictions, parental involvement, Secondary school, phenomenology.

۱. این مقاله برگرفته از پایان نامه کارشناسی ارشد با عنوان:« واکاوی محدودیت¬های مشارکت والدین در مدارس متوسطه: مطالعه¬ای با رویکرد پدیدارشناسانه » است. – تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۱۱/۲۶، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۰/۲۸

۲.دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه درسی دانشگاه تهران، رایانامه : ahmadutl70@gmail.com

۳. استادیار گروه علوم تربیتی و برنامه درسی دانشگاه تهران،(نویسنده مسئول) رایانامه : Dehghani_m33@ut.ac.ir

۴.استادیار گروه علوم تربیتی و برنامه درسی دانشگاه تهران ، رایانامه : keyvansalehi@ut.ac.ir

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

مقدمه

مشارکت والدین یکی از حوزه‌های پراهمیت تحقیقی در جامعه‌شناسی آموزش و پرورش است که به دلیل «گستردگی قلمرویی» ارائه یک تعریف مشخص و جامع از آن مشکل است(ملوین[1]، ۲۰۱۰). به دلیل مشکلات عملی در تعریف مشارکت والدین، بسیاری از محققان تلاش خود را بر روی طبقه‌بندی انواع خاصی از مشارکت والدین در سطح مدارس متمرکز کرده‌اند. طبقه‌بندی‌های صورت پذیرفته، مشارکت والدین را در سه بعد مشارکت مبتنی بر خانه، مشارکت مبتنی بر مدرسه و اداره مدرسه تقسیم می-کنند(واشنگتن[2]، ۲۰۱۱؛ اپستین[3]، ۱۹۹۵،۲۰۰۱؛ فن و چن[4]، ۲۰۰۱ و گرین‌وود و هیکمن[5]، ۱۹۹۱). مشارکت مبتنی بر مدرسه به تعامل و مشارکت والدین در فعالیت‌های مدرسه اشاره دارد(فیور[6]، ۲۰۰۱). براساس دیدگاه شلدون و اپستین[7]، (۱۹۹۵) دامنه‌ی این ارتباط شامل، حضور اولیاء/ معلمان در کنفرانس‌ها، آگاهی والدین از حوادث و اتفاقات درون مدرسه، و ارتباط والدین با کارکنان مدارس می‌شود. دپلانتی[8] و کالترکرن[9] و دوچان[10]، (۲۰۰۷) معتقدند، مشارکت مبتنی بر مدرسه به مدیران این امکان را می‌دهد تا آن‌ها برنامه‌های رسمی مدرسه(برای مثال، فعالیت‌های یاددهی و یادگیری دانش‌آموزان) و برنامه‌های غیررسمی مدرسه (برای مثال، فعالیت‌های فوق برنامه، تهیه کتاب‌های فرادرسی) را توسعه دهند(دیکسون[11]، ۲۰۰۸). به نظر دسیمون، (۱۹۹۹) مشارکت والدین درسطح مدارس به معلمان کمک می‌کند تا آن‌ها نسبت به عملکرد

[1] Melvin
[2] Washington
[3] Epstein
[4] Fan & Chen
[5] Greenwood & Hickman
[6] Fiore
[7] Sheldon & Epstein
[8] Deplanty
[9] Coulter-Kern
[10] Duchane
[11] Dixon

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

تحصیلی و همچنین نیازهای ویژه دانش‌اموزآن (آسم، آلرژی و...) بهتر آگاهی پیدا کنند(بهبودی، ۱۳۸۷).

مشارکت مبتنی بر خانه یکی دیگر از جنبه‌های مشارکت والدین است که والدین اغلب با هدف موفقیت تحصیلی فرزندان خود و ارتقاء عملکرد مدرسه بکار می-گیرند(واشنگتن، ۲۰۱۱؛ اپستین و جانسورن[1]، ۲۰۰۴ و گریین وود و هیکمن،(۱۹۹۱). یافته‌های تحقیق دپلانتی و همکاران، (۲۰۰۷) حاکی از آن است که فعالیت‌هایی همچون، گفتگو بین والد/فرزند در مورد مدرسه، کمک به فرزندان در تکالیف درسی، برقراری ارتباط منظم بین خانه/مدرسه و آرمان‌های دانش‌آموزان، نقش کلیدی در موفقیت اجتماعی و عاطفی دانش‌آموزان دارد. تحقیقات شلدون، (۲۰۰۲) نشان می‌دهد که متغیرهایی همچون تجربیات گذشته والدین، باور آنها نسبت به آموزش و دسترسی به شبکه‌های ارتباطی، از شاخص های اصلی در ارتباط بین والدین و خانه محسوب می‌گردد.مشارکت والدین در اداره مدرسه اشاره به محدوده‌ای که والدین می‌توانند در تصمیم‌گیری‌های مدرسه مشارکت داشته باشند، اطلاق می‌گردد(اپستین، گالیندو[2] و شلدون، ۲۰۱۱). اپستین، (۲۰۰۱) معتقد است، فعالیت‌های تصمیم‌گیری به والدین اجاز می‌دهد تا نظرات خود را درباره برنامه‌ها و سیاست‌ها در سطح مدرسه ارائه دهند. (اسپرا و ونتزل[3]، ۲۰۰۹).

وجود ضرورت‌های فوق و همچنین به دلیل فشارهای ناشی از مسائل مالی، افت تحصیلی دانش‌آموزان و آسیب‌های تربیتی برخی از اولیای امور تصمیماتی مانند تأسیس مدارس غیرانتفاعی، ایجاد معاونت مشارکت‌های مردمی، اجرای طرح انجمن اولیاء و مربیان را بین خانه/مدرسه مطرح کردند (گوهری، جمشیدی و بیدختی، ۱۳۹۴). بااین وجود، در جامعه ما هنوز قانون مشارکت والدین در اداره امور مدرسه به‌خوبی اجرا نشده‌است و مشارکت مردم فقط در امور مالی خلاصه‌شده است. (قاسمی پویا، ۱۳۸۰،

[1] Jansorn
[2] Galindo
[3] Spera & Wentzel

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

ص. ۱۸۵). در چند دهه اخیر، ناکارامدی مشارکت والدین در سطح مدارس از جنبه‌های مختلف مورد بحث قرار گرفته است. برخی از تحقیقات عوامل پنج گانه فریدمن[1] در رابطه با موانع مشارکت والدین در مدارس را مبنای کار خود قرار داده‌اند. یافته‌های این تحقیقات نشان می‌دهد که موانع ناشی از عوامل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، موانع ناشی از نگرش مسولان، موانع ناشی از نقش معلمان و موانع ناشی از مدیران مدارس بیشترین و کمترین رتبه را به ترتیب به خود اختصاص داده‌اند(قریشی، ۱۳۸۹). نتایج تحقیقات بهبودی، (۱۳۸۷) نشان می‌دهدگاهی عدم شناخت والدین از اهداف و کارکرد-های آموزگاران و سایر نیروهای آموزشگاه، منجر به کم‌رنگ شدن رابطه خانه و مدرسه می‌شود و والدین رغبت چندانی به مشارکت نشان نمی‌دهند.تحقیقات سبحانی نژاد و یوز باشی، (۱۳۸۹) نشان‌دادند که فرهنگ خانواده، سطح تعامل خانواده، مشکلات خانوادگی و رعایت علایق دانش آموزان بر عدم مشارکت اولیاء در امور مدارس در حد بالاتر از متوسط تاثیر داشته است.

آسکر[2]، (۱۹۸۸) و لیندر[3]، (۱۹۸۹) معتقدند امروز والدین به دلیل مشکلاتی همچون، در آمد کم، درگیر بودن در زندگی روزمره، عدم انعطاف‌پذیری ساعت کاری، و محدودیت زبانی نمی‌توانند به طور منظم در فعالیت‌های مدارس و فعالیت‌های آموزشی فرزندان خود مشارکت داشته باشند(هرل[4]، ۲۰۱۱). دیویس[5]، (۱۹۸۹) به این نتیجه دست یافت که بسیاری از والدین از عدم اعتماد به نفس کافی و فقدان دانش رنج می برند. به همین دلیل احساس می کنند که در کمک به فرزندان خود ناتوان هستند. والدینی که از این دیدگاه برخوردار هستند نگرش منفی نسبت به مدارس دارند(گرین وود و هیکمن، (۱۹۹۱)؛ فیور،۲۰۰۱).

[1] Friedman
[2] Ascher
[3] Lindle
[4] Herrell
[5] Davis

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

با وجود انجام تحقیقات گسترده در حوزه محدودیت‌های مشارکت والدین در سطح مدارس ما، این تحقیقات همواره از یک خلاء اساسی به نام «کلی‌گرایی» رنج می‌برند (جهانیان، ۱۳۸۹؛ سیف نراقی و فریقی، ۱۳۹۲). فیتزجرالد[1]، (۲۰۰۴) معتقد است، یکی از ویژگی‌های برجسته مشارکت والدین در سطح مدارس سیاست‌های متغیر آن است. بطوریکه، هیچ یک از مدارس، از یک سیاست مشخص اجرایی تبعیت نمی‌کنند. از نظر فیتزجرالد وجود چندگانگی در سیاست‌گذاری کار را برای سیاستگذاران آموزشی و پژوهشگران دشوار کرده است. بنابراین، وی توصیه می‌کند، پژوهشگران می‌بایست با یک نگاه دقیق و موشکافانه به موضوعات قابل طرح در امر مشارکت والدین بپردازند. از این رو، باتوجه به اینکه یکی از خلاء های اساسی در تحقیقات داخلی عدم شفافیت و کلی‌گویی در نتایج تحقیقات در حوزه موانع مشارکت والدین است(جهانیان، ۱۳۸۱؛ سیف نراقی و همکاران،۱۳۹۲). در این پژوهش تلاش شده است تا با الهام از رویکرد پدیدارشناسانه، ضمن تحلیل ادراک و تجربه‌زیسته دانش‌اموزان، معلمان، والدین و مدیران، چالش‌ها و محدودیت‌های مشارکت والدین در سطح مدارس منتخب متوسطه در منطقه ۶ تهران، شناسایی و بازنمایی گردد. بدین ترتیب، سوال پژوهش به شرح ذیل مطرح می‌گردد:

۱. ادراک و تجارب زیسته معلمان، مدیران، والدین و دانش آموزان در خصوص موانع و محدودیت های مشارکت والدین در مدارس متوسطه چیست؟

روش

از آنجا که در این تحقیق سعی شده است تا مبنای استخراج یافته‌ها درک و تجربیات خود اطلاع‌رسان‌های پژوهش در خصوص موانع مشارکت والدین در سطح مدارس باشد، از رویکرد کیفی با روش پدیدارشناسی توصیفی[2] استفاده شده است. مشارکت-کنندگان از میان دانش‌آموزان، والدین، معلمان و مدیران در سطح سه تا از مدارس اول

[1] Fitzgerald
[2] Descriptive phenomenology

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

متوسطه در منطقه ۶ تهران به شیوه هدفمند[1] از نوع ملاکی، انتخاب شدند. ملاک ورود به مطالعه برای دانش‌اموزان دردسترس بودن، برای والدین داشتن سابقه مشارکتی، برای معلمان استفاده از معاون پرورشی به عنوان عضو حاضر در جلسات انجمن‌اولیاء و استفاده از دبیران به عنوان رابط بین عملکرد دانش‌آموز و والدین، و برای مدیران به دلیل تعداد محدود استفاده از همه آن‌ها در مدارس منتخب مدنظر قرار گرفت. اختیاری بودن ورود و خروج شرکت‌کنندگان در جریان مصاحبه به عنوان یک شرط الزامی برای شروع مصاحبه بود. داده‌های موردنیاز با استفاده از مصاحبه‌های عمیق نیمه ساختاریافته، و ضبط صوت جمع‌آوری شد. قبل از مصاحبه سوالات تحقیق در اختیار شرکت‌کنندگان قرار داده شده بود و ضمن اطمینان از محرمانه ماندن اطلاعات، مجوز ورود در جریان مصاحبه اخذ گردید. طول مدت مصاحبه بین ۵۰-۲۵ دقیقه بر اساس تمایل شرکت-کنندگان متغیر بود و هر جلسه برای هر مشارکت‌کننده ابتدا با سئوالات کلی آغاز و به تدریج بر اساس تحلیل داده‌ها با سئوالات اکتشافی ادامه یافت. اشباع نظری داده‌ها برای والدین در ششمین نفر، برای معلمان در پنجمن نفر، برای مدیران در سومین نفر و برای دانش‌آموزان در چهارمین نفر در سطح سومین مدرسه حاصل شد. در جدول ۱ ویژگی-های جمعیت‌شناختی شرکت‌کنندگان نمایش داده شده است.

جدول ۱اطلاعات جمعیت شاختی شرکت‌کنندگان

شماره شرکت کننده	جایگاه شغلی	جنسیت	نام مدرسه	شماره شرکت کننده	نوع شرکت کننده	شغل	تحصیلات	سابقه مشارت در سه ماه اخیر
۱	مدیر	مرد	A	۹	مادر	مددکار اجتماعی	لیسانس	۱بار
۲	مدیر	مرد	B	۱۰	مادر	خانه دار	زیردیپلم	۲دوبار

[1] Purposive sampling

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

شماره شرکت کننده	جایگاه شغلی	جنسیت	نام مدرسه	شماره شرکت کننده	نوع شرکت کننده	شغل	تحصیلات	سابقه مشارت در سه ماه اخیر
۳	مدیر	مرد	C	۱۱	مادر	خانه دار	زیر دیپلم	۲دوبار
۴	معاون	مرد	A	۱۲	مادر	خیاط	دیپلم	۱ بار
۵	معاون	مرد	B	۱۳	پدر	آموزگار	لیسانس	۱ بار
۶	معاون	مرد	C	۱۴	پدر	مامور نیرو انتظامی	دیپلم	۱بار
۷	دبیر علوم	مرد	A	۱۵		نام مدرسه	سن	مقطع تحصیلی
					دانش-آموز	A	۱۴	اول متوسطه
۸	دبیر ریاضی	مرد	C	۱۶	دانش-آموز	B	۱۵	اول متوسطه
–	–	–	–	۱۷	دانش-آموز	C	۱۶	دوم متوسطه
–	–	–	–	۱۸	دانش-آموز	A	۱۶	دوم متوسطه

بعد از پایان یافتن مصاحبه‌ها تحلیل یافته‌ها با استفاده از راهبرد هفت مرحله‌ای کُلایزی [1] به شرح ذیل انجام گرفت. در مرحله اول یادداشت‌برداری از داده‌ها صورت پذیرفت.

[1] Colaizzi method

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

در مرحله دوم اظهارات و اصطلاحات مرتبط با بحث بیرون کشیده شد. در مجموع ۹۰ اصطلاح از ۱۸ متن استخراج گردید. در مرحله سوم، از هر یک از اظهارات یک مفهوم تدوین شده که بیانگر تفکر اساسی فرد بود استخراج شد. ۹۰ مفهوم تدوین شده از دل ۹۰ اصطلاح اظهار شده از سوی شرکت‌کنندگان استخراج گردید. مرحله چهارم، پس از بررسی چند باره خوشه های معنایی شکل گرفته و ارتباط آن با مقوله‌های کلی توسط پژوهشگران تعدادی مقوله فرعی تحت عنوان ۳ مقوله کلی شکل گرفت. در مرحله پنجم، نتایج برای توصیف جامع از پدیده تحت مطالعه به هم پیوند داده و دسته‌های کلی‌تری به وجود آمدند. مرحله ششم تقلیل‌سازی از یافته‌ها صورت پذیرفت؛ بطوریکه توصیفات زائد، غیرقابل کاربرد و اغراق شده از ساختار کلی داده‌ها حذف گردید. مرحله هفتم با هدف تایید یافته‌های پژوهش، با استفاده از روش بازبینی اعضاء[1] انجام گرفت. به منظور اعتبار بخشی به یافته‌ها علاوه بر بازبینی توسط اعضاء از سه روش ممیزی بیرونی[2]، ، چند سویه سازی [3]و درگیری طولانی مدت[4] پژوهشگر در جریان مصاحبه استفاده شده است.

یافته‌ها

۱. مشارکت‌کنندگان چه عواملی را به عنوان موانع و محدودیت های مشارکت والدین در مدارس متوسطه معرفی نموده اند؟

داده های حاصل از مصاحبه با والدین، معلمان، مدیران و دانش آموزان مدارس متوسطه نشان می دهند که عوامل موثر در محدودیت مشارکت والدین را می توان در ۳ مقوله کلی و تعدادی زیرمقوله به شرح زیر طبقه بندی نمود.

۱. **عوامل مرتبط با مدرسه:** منظور از عوامل مرتبط با مدرسه اشاره به آن دسته از محدودیت هایی دارد که عناصر داخلی مدرسه در به وجود آمدن آن نقش دارند. عوامل مرتبط با مدرسه در این پژوهش را می توان در ۴ زیرمقوله ذیل دسته بندی کرد:

[1] member checking
[2] External audit
[3] Triangulation
[4] Prolonged Engagement

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

الف) **عدم آمادگی معلمان و مدیران جهت جذب مشارکت والدین:** مشارکت‌کنندگان پژوهش فقدان مهارت و آمادگی معلمان و مدیران را به عنوان یک مانع برای جلب مشارکت والدین در مدارس معرفی کرده‌اند. ناآمادگی معلمان و مدیران خود را با عواملی همچون، عدم دریافت آموزش لازم، فقدان انگیزشی، محدودیت در اختیارات شغلی معلمان و فقدان دسترسی به معلمان نشان داد.

" من معاون مدرسه با ۱۱ سال خدمت هستم، در طول این دوره من بیاد ندارم حتی یک بار هم برای ما آموزش‌های قبل از خدمت یا ضمن خدمت با محوریت جذب مشارکت والدین در مدارس برگزار شده باشد.با وجود این امر، جای تعجب ندارد که اغلب معلمان و مدیران از دانش کافی جهت چگونگی مشارکت اثربخش والدین در مدارس بی‌بهره باشند و یا خیلی محدود با روش‌های سنتی به این کار ادامه دهند"[مشارکت‌کننده، ۴].

ایجاد انگیزه و یا حمایت از سوی مقامات منطقه‌ای و اجرایی و انتقال انگیزه از سوی مدیر و معلمان به والدین جهت جذب مشارکت آن‌ها به عنوان یک عامل کلیدی در ارتباط بین خانه / مدرسه شناخته شد. با این حال، مدیران و معلمان نسبت به ایفاء نقش خود در این زمینه ابهام داشتند. " آقای ز.خ مدیر مدرسه در این رابطه مانند دیگران به صحت عملکرد خود در جذب مشارکت والدین اعتماد ندارد. جلب اعتماد یکپارچه والدین دارای شرایط اجتماعی- اقتصادی متفاوت از نظر او خیلی عجیب است و فکر می کند که تنهایی و بدون ابزار مناسب نمی تواند این مشکل را حل کند. او هم مانند دیگر مدیران معتقد است که ابتدا والدین باید درک کنند که مشارکت آن‌ها در مدرسه مفید است تا در مرحله بعد به صورت مستمر حضور پیدا کنند، اما مشکل اینجاست که من نمی‌دانم چگونه باید این درک و آگاهی را در والدین ایجاد کنم و خود را نیازمند کسب علم کافی می بیند" [مشارکت‌کننده، ۱ و ۲].

عده‌ای از معلمان اعتقاد دارند، آنها اختیار لازم را جهت همکاری با والدین ندارند. "من اگر هم بخواهم اختیار لازم را جهت همکاری با والدین ندارم، مگر اینکه از طریق

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

هیئت امناء یا دفتر مدرسه اجازه انجام چنین کاری را داشته باشم".[مشارکت‌کننده، ۷ و ۸].

شلوغ بودن کلاس‌های درس که به موجب آن معلمان زمان بیشتری را صرف دانش-آموزان می‌کردند، مانع از آن شده بود تا معلمان بتوانند زمان قابل توجهی را صرف والدین کنند." حتی اگر ما بخواهیم با والدین تعامل داشته باشیم، ساعت‌های کاری که در طی هفته به ما اختصاص داده‌اند، زمان زیادی را از ما می‌گیرد"[مشارکت‌کننده، ۷]. یکی دیگر از اطلاع رسان‌های پژوهش در موضعی مشابه با اطلاع رسان قبلی، فقدان زمان و قابلیت دسترسی به معلمان را این گونه توجیه می‌کند: " من فکر می‌کنم این امکان پذیر نباشد که به صورت روزانه بتوانیم معلمان را ملاقات کنیم، اما اگر بشود والدین را ماهی یک بار ببینیم، تا حداقل بفهمیم فرزندان ما در مدرسه چکار می‌کنند، من می‌خواهم نقطه نظرات معلمان را بدانم، نه آن چیزی که خودم درک می‌کنم در مورد فرزندم؛ بلکه من می‌خواهم معلم به من بگوید که شما می‌دانید(نام شخص) فرزند شما این کار را انجام می‌دهد، یا او این کار را به درستی انجام نمی‌دهد"[مشارکت‌کننده، ۹].

ب) پیش زمینه منفی معلمان نسبت به نقش مشارکت والدین: نوع ادراک معلمان نسبت به مشارکت والدین در مدرسه به عنوان یک مانع در مدارس منتخب شناسایی شد. نگرش منفی نسبت به سبک‌های فرزندپروری والدین، سرزنش والدین بخاطر شکست تحصیلی فرزندان، ایجاد تضاد بین حضور والدین در مدرسه و رسیدگی به مسائل انظباطی و تحصیلی دانش‌آموزان، از جمله پیش‌زمینه‌های منفی در ذهن معلمان هست که نمی‌توانند حضور والدین را به عنوان یک عامل تاثیر گذار در فعالیت‌های مدرسه در نظر بگیرند.

برخی از معلمان معتقدند که والدین از صلاحیت‌ها و مهارت‌های کافی برای فرزندپروری برخوردارنیستند." ما والدینی داریم که فرزندان خودشان نمی‌تونند تربیت کنند، اونوقت چطور می‌تونند به ما کمک کنند!"[مشارکت‌کننده، ۶ و ۷]. که این امر مانع از ایجاد یک مشارکت فعال بخصوص در بین والدین با سطح تحصیلات پایین شده بود " دوست عزیز، شاید بتونم با جرات بهتون بگم در مدرسه‌ای که ما الان قرار داریم، به

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

اندازه انگشتای دو دست والدین با تحصیلات عالی نداریم، اکثر والدین شاید تا پنجم ابتدائی هم تحصیلات نداشته باشند، اونوقت شما چطور انتظار دارید که این افراد بتوانند هم دعوت ما را قبول کنند و هم نقطه نظرات خود را با ما در میان بگذارند"[مشارکت‌کننده، ۷]. از سوی دیگر، نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که هنوز معلمانی وجود دارند که والدین را به خاطر شکست تحصیلی فرزندانشان سرزنش می-کنند " معلمان اغلب شکایت می‌کنند که کودک شما مرتب در درس‌هایش شکست می-خورد، زیرا والدین آن‌ها نمی‌توانند برای آن‌ها بخوانند(سواد کافی ندارند)" [مشارکت-کننده، ۱۱]. این امر، نشان می‌دهد که معلمان دارای یک مفروضه اساسی از پیش تعیین شده هستند که چنین والدینی نمی‌توانند بر روی فرایند آموزش فرزندانشان نظارت داشته باشند.

اغلب، معلمان والدین را به عنوان یک مانع جدی در مسائل انضباطی دانش‌آموزان در مدرسه می‌دیدند." آن‌ها (والدین) بهتر است به دور از وظایف مدرسه نگاه داشته شوند تا ما (معلمان) مجبور نباشیم در مواقعی که از دانش‌آموزی عصبانی هستیم خود را خونسرد جلوه دهیم" [مشارکت‌کننده، ۵ و ۶ و ۷]. برخی از معلمان حضور والدین در مدرسه را به عنوان مانعی برای نوع روش تدریس خود، سبک مدیریت کلاس درس و یا برنامه تحصیلی مدرسه در نظر می‌گرفتند " من احساس می‌کنم برخی از والدین نمی‌توانند ما را درک کنند و به ما احترام بگذارند و در نهایت آن‌ها بی مورد ما را به چالش می‌کشند" [مشارکت‌کننده، ۵ و ۷ و ۴].

ج) تضاد بین برنامه ریزی مدرسه و خانه : حتی وقتی والدین و مربیان به اهمیت مشارکت والدین پی برده و موافق آن هستند، گستره‌ای از اختلاف‌ها هنگام برنامه‌ریزی جهت مشارکت به وجود می‌آید. دامنه این تضادها از سوی اطلاع‌رسان‌های پژوهش طیف وسیعی از مسائل همچون: تضاد در نوع مشارکت والدین، زمانبندی برای مشارکت، محتوای انتخابی و ناآگاهی والدین از برنامه درسی مدرسه معرفی گردید.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

برخی از مدیران معتقدند، در حالی که مدارس گرایش دارند تا " مشارکت والدین را به عنوان فعالیت‌های سازماندهی شده در سطح مدارس ببیند"[مشارکت‌کننده، ۱ و ۳] برخی از والدین تمایل دارند "در فعالیت‌های خارج از مدرسه همچون پرورش فرزندان، گفتگو با فرزندان و انجام تکالیف خانگی" مشارکت داشته باشند[مشارکت-کننده، ۱۳ و ۱۰ و ۹].

علاوه بر نوع مشارکت والدین، تضاد بین برنامه‌های شغلی والدین و برنامه‌های مشارکتی تعیین شده از سوی مدرسه به عنوان یک مانع جدی دیگر در سر راه مشارکت والدین در مدرسه شناخته شد. در بسیاری از موارد رویدادها و فعالیت‌های مدرسه در زمانی برگزار می‌شد که برای مدرسه مناسب اما برای خانواده‌ها مناسب نبود. والدین معتقدند وقتی فعالیت‌های مدرسه در روزهای کاری مدرسه اتفاق می‌افتد، والدین ممکن است مشغول کار خود باشند و نتوانند در آن حضور پیدا کنند. " من یک مددکار اجتماعی هستم، گاهی اوقات که من محل کارم را ترک می‌کنم و تا می‌رسم به خانه ساعت حدود ۵ است، تقریبا از شنبه تا پنج شنبه این روال ادامه دارد، من فقط روزهای جمعه بیکار هستم که در این روز هم به طور طبیعی مدارس تعطیل هستند"[مشارکت-کننده، ۹].

برخی از والدین معتقدند محتوای انتخابی برای آموزش در جلسات آموزش خانواده و انجمن اولیاء – مربیان به آن‌ها دیکته می‌شود. " مشکلات ایجاد شده در زمینه برنامه-های مدارس متکی به این واقعیت است که مدارس عهده‌دار برگزاری و مدیریت این برنامه‌ها هستند، برای مثال، نشست‌های انجمن اولیاء توسطه مدارس به والدین دیکته می‌شود و غالبا هم در یک زیرزمین برگزار می‌گردد" [مشارکت‌کننده، ۱۳].

برخی از والدین ادعا داشتند که آن‌ها نمی‌توانند از طرح‌ها و امکانات موجود در مدارس آگاه شوند. یکی از والدین به طور آشکار این امر را پذیرفت وقتی که او گفت " من نمی‌توانم اطلاعات کافی از سوی مدرسه به دست بیاورم"[مشارکت‌کننده، ۱۴] والدین عدم دسترسی به اطلاعات را در سه حوزه فرزندپروری، دسترسی به مشاور مدرسه برای والدین با نیازهای ویژه و آگاهی از نحوه برگزاری جلسات آینده عنوان کردند.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

" فرزند من آلرژی داره، من نیاز به کمک دارم، من الان باید یک برنامه غذایی مناسب برای اون تهیه کنم، من وقتی از مدرسه مشورت خواستم، اونا گفتند ما تخصص نداریم، یک اتاق بهداشت هم داشتند که وقتی وارد شدم کسی در آنجا نبود"[مشارکت‌کننده، ۱۱].

د) تفاوت فرهنگی بین مدرسه و خانه: زبان علمی مورد استفاده در مدارس به عنوان یک جنبه مهم فرهنگی موجب عدم تمایل به حضور والدین در محیط مدرسه شده بود. این امر بخصوص برای والدین دارای تحصیلات کم نمو بیشتری داشت. برخی از والدین که دارای تحصیلات زیر دیپلم بودند اظهار می‌کردند که زبان مورد استفاده در مدارس خیلی علمی است.

" زمانی که معلمان یا مسئولان انجمن اولیاء از اصطلاحات تخصصی استفاده می‌کنند من متوجه نمی‌شوم و از پرسیدن معنی آن کلمه هم خجالت می‌کشم"[مشارکت‌کننده، ۱۱ و ۱۲ و ۱۴].از سوی دیگر برخی از کارمندان مدارس نمی‌دانستند که چگونه باید با افراد دارای گویش‌های زبانی متفاوت ارتباط برقرار کنند.

" نمونه‌هایی از این موارد که البته خیلی زیاد نیستند را من در مدرسه با آن‌ها برخورد داشته‌ام؛ غالبا آن‌ها از خانواده‌هایی هستند که به تازگی به تهران مهاجرت کرده‌اند، و به خاطر گویش و یا لهجه غلیظ که دارند از اعتماد به نفس کافی جهت صحبت در نشست‌های گروهی محروم هستند" [مشارکت‌کننده، ۷ و ۸].

۲. عوامل مرتبط با والدین: عوامل مرتبط با والدین ریشه در مشکلات خود اولیاء دارند. عوامل مرتبط با والدین در این پژوهش را می توان در ۲ زیرمقوله ذیل دسته بندی کرد:

الف) وضعیت اجتماعی – اقتصادی والدین: مشارکت والدین از چندین عامل اقتصادی – اجتماعی همچون، شرایط شغلی والدین، فقدان سواد والدین، وضعیت حمل ونقل نامناسب و مراقبت از کودکان در منزل تاثیر پذیرفته بود.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

وقتی از والدین خواسته شد تا بگویند که چه عواملی باعث می‌شود تا آن‌ها نتوانند در آموزش فرزندان خود مشارکت داشته باشند، تعداد محدودی از والدین هیچ مشکلی در امر مشارکت نداشتند. برای مثال یکی از مادران گفت " من خانه‌دارم، من دو فرزند دارم که آن‌ها همزمان به مدرسه می‌روند، بنابراین زمانی که آن‌ها از خانه خارج می‌شوند من فرصت کافی برای حضور در مدرسه را دارم" [مشارکت‌کننده، ۱۱]. یکی دیگر از مادران در موضع مشابهی با قبلی اظهار می‌کند" من باور دارم که خیلی درگیر آموزش فرزندم هستم، من اکنون در حال تحصیل در رشته مددکاری اجتماعی هستم، بااین حال، من همه تلاشم را جهت کمک به کارها و فعالیت‌های مدرسه فرزندم انجام می-دهم[مشارکت‌کننده، ۹].

برخی از اطلاع‌رسان‌های پژوهش «شغل» را به عنوان یک مانع جدی در سر راه مشارکت خود عنوان کرده‌اند. ساعت‌های کاری طولانی، اشتغال مادران و تغییر شیفت کاری از مشکلات مرتبط با شغل بود. " جایی که من کار می‌کنم در کرج است، گاهی اوقات زمانی که من کارم را ترک می‌کنم و تا می‌رسم به خانه ساعت حدود 4 غروب است"[مشارکت‌کننده، ۱۳]. یکی دیگر از پدران می‌گوید: " من یک کارمند نیرو انتظامی هستم، من ساعت‌های زیادی سر کار هستم و گاهی اوقات شیفت هم می-مانم"[مشارکت‌کننده، ۱۴].

نتایج این تحقیق نشان می‌دهد یکی دیگر از عواملی که می‌تواند به میزان مشارکت والدین کمک کند میزان سواد والدین است. برخی از والدین ادعا کردند که از اعتماد به نفس کافی برای مشارکت در فعالیت‌های مدرسه و فرزندان خود بی‌بهره هستند. آن‌ها گفتند که تمایل دارند به فرزندانشان در تکالیف خانگی کمک کنند، اما عدم سواد خواندن و نوشتن آن‌ها را از انجام این کار بازمی‌دارد. وقتی که از آن‌ها پرسیده شد مدارس چه راهکارهایی را می تواند در جهت افزایش مشارکت والدین اتخاذ کند؟ آن-ها هیچ گونه پیشنهادی نداشتند. آن‌ها به این نتیجه رسیده بودند که فاقد صلاحیت کار با مدارس هستند؛ زیرا سطح سواد خود را به عنوان یک مانع می‌دیدند:

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

" من خیلی نگران هستم، من سواد خواندن و نوشتن ندارم، نمی‌توانم به فرزندم در تکالیف خانگی کمک کنم. فقط آرزو دارم که او بتواند فارغ التحصیل شود. مدرسه سخت است. او به کمک نیاز دارد، او در کلاس هشتم است، او برای انجام تکالیف درسی اش به کلاس‌های فوق برنامه یا نزد دوستانش می‌رود، من می‌خواهم کمک کنم اما نمی‌توانم" [مشارکت‌کننده، ۱۰ و ۱۴]. از سوی دیگر والدینی که توانایی کار با مدرسه و دانش‌آموزان را داشتند اظهار می‌کردند که زمان کافی برای انجام این کار را ندارند " من خودم آموزگار هستم، من صبح از ساعت هشت تا یک بعداظهر سر کلاس درس هستم، و بعد اظهر هم مسافرکشی می‌کنم، من با اینکه این توانایی را در خودم می‌بینم که هم در تکالیف خانگی فرزندم و هم در کارهای داوطلبانه مدرسه کمک کنم اما واقعا وقت ندارم"[مشارکت‌کننده، ۱۳].

علاوه بر موارد فوق، یافته‌های پژوهش عوامل همچون فقدان وضعیت حمل و نقل مناسب یا کرایه تاکسی، مراقبت از کودکان در منزل، را به عنوان موانع اجتماعی – اقتصادی مرتبط با مشارکت والدین در مدارس منتخب شناسایی کرد. " من دوتا بچه کوچک در خانه دارم، که مراقبت از آن‌ها به من اجازه نمی‌دهد تا به مدرسه و حتی آموزش بقیه بچه‌ها برسم"[مشارکت‌کننده، ۱۲].

ب) ابهام والدین نسبت به ایفاء نقش خود: متاسفانه، یک نگرش در داخل برخی از مدارس وجود داشت که عدم کارآمدی مشارکت والدین را منعکس می‌کرد. این ناکارمدی مواردی همچون، تردید والدین نبست به توانایی خود، کم ارزش جلوه کردن مشارکت از نگاه والدین، تجربیات ناخوشایند مشارکتی در گذشته را شامل می‌شد.

اگرچه، برخی از معلمان و مدیران اظهار می‌کردند که هنوز والدینی وجود دارند که می-خواهند در آموزش فرزندان خود و کمک به اهداف مدرسه مشارکت داشته باشند اما برخی از والدین ارزش و بهاء مشارکت خود را در مدرسه درک نمی‌کردند.

با وجود آن‌که برخی از مدیران ادعا می‌کنند:" والدینی که به طور خودجوش برای خود یک نقش (مانند: عضو شوراء مدرسه، همکار مربی) در نظر می‌گیرند علاقه بیشتری برای ارتباط با مدرسه و آینده تحصیلی فرزندان خود قائل هستند" [مشارکت‌کننده ۱ و

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

۳]. در مقابل والدینی بودند که تنها احساس می‌کردند نقش آن‌ها تحویل فرزندانشان از مدرسه است.

" به نظر من آموزش دانش‌آموزان به عهده متخصصان است، ما دخالت نکنیم بهتر است، من بارها به دوستانم هم گفتم که کمک ما به فرزندانمان شبیه ای ضرب المثل است که «اومد ابروش درست کنه زد چشماش ام کور کرد»"[مشارکت‌کننده ۱۰ و ۱۱ و ۱۴].

برخی از والدین تصور می‌کردند که مشارکت آن‌ها ضروری نیست، زیرا فرزند آن‌ها در مدرسه عملکرد مناسبی دارند و عده‌ای دیگر اظهار می‌کردند هیچ گونه سابقه مشارکتی نداشته و دلیلی هم برای شروع آن نمی‌دیدند[مشارکت‌کننده، ۱۱ و ۱۳]. یکی دیگر از دلایل عنوان شده که مانع از حضور مشتاقانه والدین در مدارس منتخب می‌شد، این بود که برخی از والدین به واسطه حضور قبلی خود در مدرسه تجربیات ارزشمند نداشته اند " هر دفعه که من دعوت کردن به مدرسه یا برای دریافت کمک هزینه بوده، یا که فرزندم یک مشکل درسی یا انضباطی داشته"[مشارکت‌کننده، ۹ و ۱۱ و ۱۳ و ۱۴]. برخی از والدین به این دلیل تمایل به مشارکت نداشتند که در توانایی خود برای ایجاد تغییر در اهداف مدرسه شک داشتند و در نهایت برخی از والدین هم وجود داشتند که تمایل به مشارکت داشتند اما نمی‌توانستند تشخیص دهند که چگونه باید بیان کنند که مشتاق به مشارکت موثر هستند." احساس می‌کنم مدارس باید پیشقدم شوند و ما را دعوت کنند، من چنین توانایی را در خودم نمی‌بینم که بخواهم داوطلبانه در مدرسه مشارکت داشته باشم"[مشارکت‌کننده ۱۰ و ۱۱].

۳. عوامل مرتبط با نوجوانان: دانش آموزان در مقطع متوسطه تحصیلی در محدوده سنی ۱۲ تا ۱۸ سال قرار دارند. از این رو، برخی از محدودیت های مشارکت والدین در مدرسه متوجه خود دانش آموزان در دوره نوجوانی هست. عوامل مرتبط با نوجوانان در این پژوهش را می توان در ۲ زیرمقوله ذیل دسته بندی کرد:

الف) تضاد و ابهام بین عوامل رشدی نوجوان با مشارکت والدین: دانش‌آموزان در مقطع تحصیلی متوسطه یکسری عوامل رشدی مرتبط با دوره نوجوانی را به عنوان

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

مانعی برای حضور والدین در مدرسه خود معرفی کردند. برخی از دانش‌آموزان براین باور بودند نیازهای فزاینده دوره نوجوانی بخصوص استقلال یابی، به آن‌ها اجازه نمی-دهد تا نقش والدین خود را در مدرسه مانند گذشته قبول کنند. " من احساس می‌کنم بزرگ شده‌ام، من دیگر مانند گذشته نیاز به کمک ندارم، خودم می‌توانم تکالیفم را انجام دهم، خودم می‌توانم از مدرسه به خانه بروم" [مشارکت‌کننده، ۱۶ و ۱۸ و ۱۵]. یا دانش‌آموز دیگری که وجود والدین در مدرسه را مساوی با شرم وحیا برای خود در نظر می‌گرفت دلیلی بر این ادعا است " زمانی که والدینم مرتب به مدرسه می‌آیند مورد تمسخر همکلاسی‌هایم قرار می‌گیرم، آن‌ها به من می‌گویند تو با این که به کلاس بالاتر آمده‌ای اما هچنان بچه مامانی هستی"[مشارکت‌کننده، ۱۷].

ب) تضاد و ابهام بین عوامل تحصیلی نوجوان با مشارکت والدین: علاوه بر عوامل رشدی دوره نوجوانی، مقطع تحصیلی متوسطه خود به عنوان یک مانع برای مشارکت والدین شناخته شد. والدین در مقطع متوسطه نمی‌توانستند مشارکت خود را به عنوان یک عامل موثر در پیشرفت تحصیلی فرزندانشان در نظر بگیرند. آن‌ها ادعا می‌کردند همانطور که کودکان از مدارس ابتدائی به متوسطه می‌روند برخی از مسئولیت‌ها همچون تکالیف خانگی باید از سمت آن‌ها به فرزندانشان تغییر پیدا کند[مشارکت‌کننده، ۱۱ و ۱۳]. البته برخی از معلمان این ادعا والدین را این گونه تفسیر می‌کنند که" چون برخی از والدین تصور می‌کنند مهارت لازم در مورد مفاهیم علمی در دوره متوسطه را ندارند، آن‌ها اعتماد به نفس لازم برای کمک به فرزند خود را از دست داده‌اند، بنابراین این امر نتیجه‌ای شده است آن‌ها تمایل کمک به فرزندانشان در مقطع متوسطه را از دست بدهند" [مشارکت‌کننده، ۷ و ۸].

در مقطع متوسطه به دلیل تعداد دانش‌آموزان (گاه تا ۴۰ نفر هم می‌رسید) و اندازه کلاس‌های مدارس منتخب معلمان دسترسی محدود تری را به والدین و دانش‌آموزان داشتند، ضمنا به دلیل اینکه دانش‌آموزان برای هر کلاس یک معلم متفاوت داشتند، والدین اطمینان کافی نداشتند که در موقع سوال داشتن مشکل خود را با چه کسی باید در میان بگذارند." تو این دوره[متوسطه] خیلی سیستم آموزشی تغییر کرده، الان واسه

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

هر درس فرزندم یک معلم مجزا وجود دارد، من اطمینان کافی ندارم که در موقع سوال داشتن مشکل خود را با چه کسی باید در میان بگذارم" [مشارکت‌کننده ۱۱ و ۱۲ و ۱۳]. همچنین پیچیدگی برنامه درسی در مقطه متوسطه، و سطح بالای مهارت‌های علمی مورد نیاز مشکلاتی را برای برقراری ارتباط بین خانه و مدرسه ایجاد کرده بود." احساس می‌کنم مهارت‌هایی که برای حل تمرین‌های درسی فرزندم نیاز خیلی از توانایی من بالاتر"[مشارکت‌کننده، ۱۴].

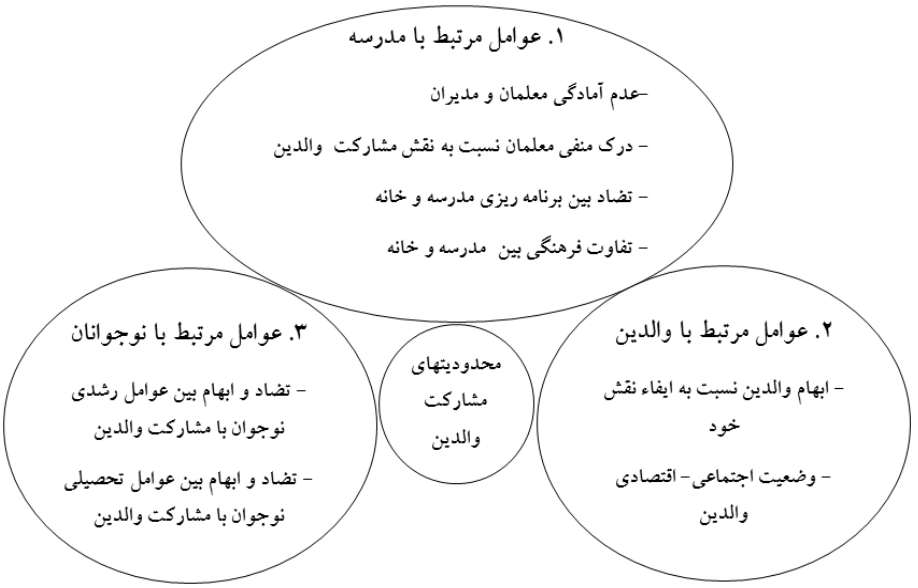

شکل ۱ موانع و محدودیت های مشارکت والدین در مدارس متوسطه

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش حاضر موانع مشارکت والدین در برنامه‌های مدارس و فعالیت‌های یادگیری دانش‌آموزان را در سه مقوله کلی شامل، عوامل مرتبط با مدرسه، عوامل مرتبط با والدین و عوامل مرتبط با نوجوانان نشان داد. شواهد تحقیق دپلانتی و همکاران، (۲۰۰۷) نشان می‌دهد، اگر چه والدین تمایل به مشارکت در مدارس دارند اما فقدان

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

خطوط ارتباطی آزادانه و یا حمایت‌های مورد نیاز از سوی مدارس مانع این امر می‌شود. یافته‌های پژوهش حاضر، عواملی همچون، عدم آمادگی معلمان و مدیران برای جذب مشارکت والدین، نگرش منفی معلمان نسبت به ایفاء نقش والدین، تضاد بین برنامه-ریزی مدرسه – خانه و تفاوت فرهنگی بین مدرسه / خانه را از محدودیت های مرتبط با مدرسه شناسایی کرد.

برخی از اطلاع‌رسان‌های پژوهش بر این باور هستند که معلمان و مدیران از آمادگی لازم جهت جذب مشارکت والدین برخوردار نیستند. بکر[1] و دنسن[2]، (۲۰۰۷) معتقدند، علیرغم تمایل بسیاری از معلمان و مدیران جهت جذب مشارکت والدین در مدارس ، به‌دلیل کمبود دانش این میل کمرنگ می‌شود. همسو با نظر بکر و دنسن، (۲۰۰۷) معلمان در پژوهش حاضر اظهار می‌کنند، به دلیل نبود آموزش‌های ضمن و قبل خدمت و همچنین عدم اختیارات لازم در زمینه جلب مشارکت والدین، آن‌ها ناگزیر از روش-های سنتی برای جلب آن‌ها استفاده می‌کنند. از سوی دیگر، در حالیکه، برخی از مدیران فقدان انگیزه و حمایت از سوی مقامات در سطح منطقه را یک توجیه مناسب برای ناتوانی خود در ایجاد انگیزه در معلمان جهت جذب مشارکت والدین می‌دانند، کاتز[3] و بوش[4]، (۱۹۹۹) معتقدند، آموزش و پرورش می‌تواند با پرداخت حقوق و جوایز ویژه به معلمان و مدیران، آن‌ها را در راستا شبکه‌سازی بین خانه و مدرسه ترغیب نماید(هرل، ۲۰۱۱). همچنین، عدم آمادگی معلمان و مدیران خود را در نگاه والدین با محدودیت در دسترسی نشان می‌دهد. قریشی، (۱۳۸۹) در تحقیقات خود نشان می‌دهند که امروزه در مدارس ما به دلیل حجم انبوه دانش‌آموزان در کلاس درس، معلمان فرصت‌های کمتری را جهت ملاقات با والدین پیدا می‌کنند.

[1] Bakker
[2] Denessen
[3] Katz
[4] Bauch

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

برخی از شرکت‌کنندگان از نگرش منفی معلمان نسبت به ایفاء نقش والدین در مدارس گله‌مند بودند. لازار[1] و اسلواد[2]، (۱۹۹۹) در تحقیقات خود بیان می‌کنند که در دوران پس از استعمار آمریکا، برخی از معلمان والدین را بخاطر ناتوانی جهت حمایت از رشد ذهنی، اخلاقی و اجتماعی فرزندانشان سرزنش می‌کردند(بت رایت[3]، ۲۰۱۴). همسو با نتایج فوق، برخی از معلمان در پژوهش حاضر بر این باور هستند که والدین از صلاحیت‌ها و مهارت‌های کافی برای فرزندپروری برخوردارنیستند. از سوی دیگر، برخلاف تحقیقات لازار و اسلواد، (۱۹۹۹) که نشان می‌دهند امروزه در جوامع آمریکا، معلمان بیشتر والدین را بخاطر نژادپرستی (racism) سرزنش می‌کنند(بت رایت، ۲۰۱۴)، اما در تحقیق حاضر، برخی از والدین ادعا می‌کنند که معلمان آن‌ها را به خاطر شکست تحصیلی فرزندانشان سرزنش می‌کنند. علاوه بر این، عده‌ای از معلمان تصور می‌کنند اگر والدین در مدرسه حضور داشته باشند، آنها نمی‌توانند به مسائل انضباطی دانش‌آموزان به خوبی بپردازند. و یا برخی از معلمان حضور والدین در مدرسه را به عنوان مانعی برای نوع روش تدریس خود، سبک مدیریت کلاس درس و یا برنامه تحصیلی مدرسه در نظر می‌گرفتند. لازار و اسلواد، (۱۹۹۹) معتقدند با وجود چنین مفروضه‌های ازپیش تعیین شده از سوی معلمان، جای تعجب ندارد که برخی از والدین تصور کنند که حضور آن‌ها در فرایند آموزش فرزندانشان موثر نخواهد بود(بت رایت، ۲۰۱۴).

حتی وقتی والدین و مربیان به اهمیت مشارکت والدین پی برده و موافق آن هستند، گستره‌ای از اختلاف‌ها هنگام برنامه‌ریزی جهت مشارکت به وجود می‌آید. گوهری و همکارن، (۱۳۹۳) معتقدند، عدم شناخت اولیاء از اهداف وکارکردهای مدرسه و تغییرات سریع برنامه درسی مانع از حضور موثر والدین در مدرسه شده است. یافته‌های پژوهش حاضر همسو با یافته‌های فوق دامنه‌ای از عوامل همچون، تضاد در نوع

[1] Lazar
[2] Slostad
[3] Boatwright

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

مشارکت والدین، زمانبندی برای مشارکت، محتوای انتخابی و ناآگاهی والدین از برنامه درسی را به عنوان نمودهایی از تضاد بین برنامه‌های مدرسه و خانه شناسایی کرد.

آخرین مانع اشاره شده از عوامل مرتبط با مدرسه اشاره به تفاوت فرهنگی بین خانه و مدرسه دارد. برنز،[1] (۱۹۹۳) یکی از ویژگی‌های حیاتی والدین جهت مشارکت موثر در فعالیت‌های مدرسه را وجود سرمایه فرهنگی آن‌ها می‌داند(اسمیت[2]، ۲۰۱۱). سرمایه فرهنگی از نگاه وی اشاره به جمع‌آوری دانش، تجربیات و مهارت‌هایی دارد که یک فرد در طول زندگی خود به‌دست می‌اورد(اسمیت، ۲۰۱۱). منان[3] و بلیک ول[4]، (۱۹۹۲) در تحقیقات خود نشان می‌دهند که وقتی محیط مدارس نسبت به زبان و فرهنگ خانه حساسیت ندارد؛ ارتباطات دوطرفه غالبا دشوار می‌شود و بسیاری از والدین از شروع هر گونه گفتگو با معلم دلسرد می‌شوند(اسمیت، ۲۰۱۱). یافته‌های پژوهش همسو با نتایج فوق نشان داد که اختلاف فرهنگی با نمودهایی همچون استفاده از اصطلاحات و لغات تخصصی و گویش متفاوت بین والدین و کارمندان مدارس موجب عدم تمایل به حضور والدین در محیط مدرسه شده است .

دومین بعد از موانع مشارکت والدین در مدارس منتخب، موانع مرتبط با والدین است. یافته‌های پژوهش، عوامل مرتبط با والدین را در دو زیر مقوله، وضعیت اجتماعی – اقتصادی والدین و ابهام در کارآمدی نقش والدین از دیدگاه خود آن‌ها معرفی کرده است. آسکر، (۱۹۸۹) و لیندز، (۱۹۸۹) معتقدند، امروزه والدین به دلیل مشکلاتی همچون، درآمد کم، درگیر بودن در زندگی روزمره، عدم انعطاف پذیری ساعت کاری نمی‌توانند در مدارس مشارکت داشته باشند(هرل، ۲۰۱۱). همچنین، لی[5] و باون[6]، (۲۰۰۶) اظهار می‌کنند، سطح تحصیلات پائین می‌تواند از مشارکت والدین در برنامه-

[1] Burns
[2] Smith
[3] Mannan
[4] Blackwell
[5] Lee
[6] Bowen

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

های مدارس و فعالیت‌های دانش‌اموزان ممانعت به عمل آورد. برخی از والدین در تایید یافته‌های فوق وضعیت اجتماعی – اقتصادی را به عنوان یک مانع در سر راه مشارکت خود معرفی کرده‌اند. والدین معتقدند، عواملی همچون، وضعیت حمل و نقل نامناسب، مراقبت از کودکان در منزل، ساعت های کاری طولانی، اشتغال مادران و سواد ناکافی مانع از مشارکت موثر آن‌ها در مدارس شده است.

علاوه بر وضعیت اجتماعی – اقتصادی والدین، برخی از اطلاع‌رسان‌های پژوهش اظهار می‌کنند که والدین هنوز نسبت به اثراگذاری نقش خود در فرصت‌های مشارکتی مدارس باور ندارند. دیویس[1]، (۱۹۸۹) معتقد است، بسیاری از والدین بخاطر عدم اعتماد به نفس و سواد لازم نمی‌توانند ارزش مشارکت خود را درک کنند(گرین وود و هیکمن، (۱۹۹۱)؛ ویتاکر و فیور،۲۰۰۱). و یا آسکر، (۱۹۸۸) و لیندز، (۱۹۸۹) در یافته-های خود به این نتیجه دست یافتند که اگر مدارس می‌خواهند مشارکت والدین را سطح مدرسه داشته باشند، در گام نخست می‌بایست ارزش مشارکت والدین را به آن‌ها بشناسانند(هرل، ۲۰۱۱). مطابق با یافته‌های فوق به نظر می‌رسد عدم درک والدین نسبت به ارزش مشارکت خود، احساس ناکارآمدی والدین نسبت به ایجاد تغییر در سیاست-های مدرسه و تجربیات ناخوشایند مشارکتی در گذشته باعث شده است تا برخی از والدین تصور کنند که مشارکت آن‌ها ضروری نیست.

سومین بعد از موانع مشارکت والدین تضاد و ابهام بین نقش مشارکت والدین و دوره نوجوانی است. لازار و اسلواد، (۱۹۹۹) معتقدند، برخلاف معلمان در مدارس ابتدائی، معلمان در مقطع متوسطه نمی‌توانند مشارکت والدین را به عنوان یک عامل تاثیرگذار در پیشرفت تحصیلی فرزندانشان قبول کنند(بت‌رایت، ۲۰۱۴). این معلمان با چالش‌های آموزشی و تغییرات حاصل از رشد عاطفی و اجتماعی نوجوانان مواجه هستند(بت‌رایت، ۲۰۱۴) . اکلس[2] و هارولد[3]، (۱۹۹۳) معتقدند، تغییرات فزاینده دوره نوجوانی همچون، تغییرات جسمی، عاطفی، شناختی و اجتماعی دوره نوجوانی به نوجوانان اجازه نمی‌دهد

[1] Davis
[2] Eccles
[3] Harold

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

تا نقش والدین را در تجربیات آموزشی خود قبول کنند(اسمیت، ۲۰۱۱). همسو با نتایج فوق، یافته‌های پژوهش حاضر، تضاد و ابهام بین نقش مشارکت والدین و دوره نوجوانی را به عنوان مهم‌ترین موانع دوره نوجوانی شناسایی کرده است. برخی از دانش‌آموزان براین باور بودند که عوامل رشدی همچون، استقلال‌یابی، به آن‌ها اجازه نمی‌دهد تا نقش والدین خود را در مدرسه مانند گذشته قبول کنند. علاوه بر عوامل رشدی نوجوانان، یکسری عوامل تحصیلی مرتبط با مقطع متوسطه همچون، حجم کلاس درس، متغیر بودن معلمان به تفکیک دروس، پیچیدگی برنامه درسی و افزایش برنامه‌های فوق برنامه مانع مشارکت والدین در فرایند آموزش فرزندان شده بود. درنهایت، با توجه به یافته‌های تحقیق پیشنهاد می‌گردد، نسبت به اتخاذ راه‌حل‌هایی همچون، آموزش تخصصی به معلمان (teacher training) با محوریت برطرف کردن پیش‌زمینه‌های منفی آن‌ها نسبت به ایفاء نقش والدین در مدارس و همچنین برگزاری کارگاه‌های آموزش والدین (Parent Workshop) با محوریت برطرف کردن پیش-زمینه‌های منفی والدین نسبت به ایفاء نقش خود در مدارس همت گمارده شود. همچنین جهت برطرف‌کردن محدویت‌های مشارکت والدین در مدارس پیشنهاد می-گردد، مدارس نسبت به ایجاد یک برنامه منعطف (Flexible program) بین مدرسه/خانه، ایجاد یک محیط استقبال‌کننده با محوریت کاهش تفاوت فرهنگی بین خانه/مدرسه (Welcoming environment) و بکارگیری یک رابط خانه/مدرسه (liaison) بین نمایندگان اولیاء و والدین اقدم نمایند.

منابع:

بهبودی، هایده.(۱۳۸۷). اهمیت مشارکت والدین در فعالیت‌های مدرسه. *تعلیم و تربیت استثنایی*، ۸۷، ۷۰-۶۵.

جهانیان، رمضان.(۱۳۸۹). بررسی راه‌های ایجاد و تقویت مشارکت مردم در آموزش و پرورش. *نوآوری‌های مدیریت آموزشی*، ۵ (۳)، پیاپی۱۹، ۴۵-۵۸.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

سبحانی نژاد، مهدی؛ یوزباشی، علیرضا.(۱۳۹۲). بررسی موانع خانوادگی مشارکت اولیای دانش آموزان در امور مدارس متوسطه شهر اصفهان. *مجله پژوهشی آموزش و یادگیری*، ۳، ۳۶۱-۳۶۷.

سیف نراقی، مریم؛ فریقی، سهیلا.(۱۳۹۲). بررسی چگونگی تعامل اولیاء، معلمان، دانش‌آموزان عادی و دیرآموز و رابطه آن با افت تحصیلی دیرآموزان در مدارس عادی. *تعلیم و تربیت استثنایی*. شماره ۵، ۱۴-۲۳.

قاسمی پویا، اقبال.(۱۳۸۳). *مشارکت های مردمی در آموزش و پرورش*. تهران: پژوهشکده تعلیم و تربیت وزارت آموزش‌وپرورش.

قریشی، محمد (۱۳۸۹). شناسایی موانع مشارکت والدین در مدارس شهرستانهای غرب استان تهران. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم تربیتی، دانشگاه تربیت معلم تهران.

گوهری، زهره؛ جمشیدی، لاله؛ بیدختی، علی اکبر (۱۳۹۴). شناسایی موانع مشارکت والدین در امور مدارس مقطع ابتدایی شهر سمنان. *مطالعات برنامه ریزی درسی*، ۷، ۱۶۲-۱۳۳.

Bakker, J., & Denessen, E. (2007). The Concept of Parent Involvement (Some Theoretical and Empirical Considerations), International Journal about Parent in Education, 1, 188-199. Schools. *Schools in the Middle*, 9(9), 26-30.

Boatwright, A.N. (2014). *How school leadership develops parental involvement strategies with social capital in four South Carolina middle school*. A dissertation for the degree of doctor of philosophy in educational administration, University of South Carolina.

Creswell, J. W., Hanson, W. E., Clark Plano, V. L., & Morales, A. (2007). Qualitative research designs: Selection and implementation. *The counseling psychologist*, *35*(2), 236-264.

Dixon, S. R. (2008). *A study of parental involvement and school climate: perspective from the middle school*. A

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

dissertation for the degree of doctor of philosophy, Texas A & M University.

Deplanty, J. Coulter-Kern, R. & Duchane, K. (2007). Perceptions of parent involvement in academic achievement. *The Journal of Educational Research*, 100(61), 361-368.

Epstein, J. L., & Jansorn, N.R. (2004). School, family, and community partnerships: Link the plan. *Education Digest*, 69(6), 19-23.

Epstein, J. (2001). School, family, and community partnerships: Preparing educators and improving schools. Boulder, CO: Westview.

Epstein, J. L. (1995). School/family/community partnerships: Caring for the children we share. Phi Delta Kappan, 76, 701–712.

Epstein, J. L., Galindo, C. L., & Sheldon, S. B. (2011). Levels of leadership: Effects of district and school leaders on the quality of school programs of family and community involvement. *Educational Administration Quarterly*, *47*(3), 462-495.

Fiore, D. J. (2001). School, Family, and Community Partnerships: Preparing Educators and Improving Schools. NASSP Bulletin, 85(627), 85-87.

Fan, X., & Chen, M. (2001). Parental involvement and students' academic achievement: A meta-analysis. *Educational psychology review*, *13*(1), 1-22.

Fitzgerald, D. (2004). *Parent Partnerships in the Early Years*. A&C Black.

Greenwood, G.E., & Hickman, C.W. (1991). Research and practice in parent involvement: Implications for teacher education. *The Elementary School Journal*, 91, 279-288.

Herrell, P.O.(2011). *Parental Involvement: Parent Perceptions and Teacher Perceptions*. A dissertation for the doctor of education, faculty of the Department of Educational Leadership and Policy Analysis East Tennessee State University.

Hoover-Dempsey, K. V., Walker, J. M. T., Sandler, H. M., Whetsel, D., Green, C. L., Wilkins, A. S., & Closson, K. E.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

(2005). Why do parents become involved? Research findings and implications. *Elementary School Journal*, 106(2), 105-130.

Lee, J. S., & Bowen, N. K. (2006). Parent involvement, cultural capital, and the achievement gap among elementary school children. *American educational research journal*, *43*(2), 193-218.

Melvin, A (2010). Japanes School promote parental involvement? *International Journal of Social Sciences and Humanity Study*, 2 (1), 1309-8063 (Online).

Spera, C, Wentzel, K. R., & Matto, H. C. (2009). Parental aspirations for their children's educational attainment: Relations to ethnicity, parental education, children's academic performance, and parental perceptions of school climate. *Journal of Youth and Adolescence*, 38(8), 1140-1152.

Sheldon, S. B., & Epstein, J. L. (2002). Improving student behavior and school discipline with family and community involvement. *Education and Urban Society*, 35, 4-26.

Sheldon, S. B. (2002). Parents' social networks and beliefs as predictors of parent involvement. *The Elementary School Journal*, 102, 301-348.

Smith, K.U. (2011). *The impact of parental involvement on student achievement*. A dissertation for the degree of doctor of education. University of Southern California.

Washington, A. (2011). *A national study of parental involvement: its trends, status, and effects on school success.* A dissertation for the degree of doctor of philosophy, Western Michigan University.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]